

تحلیل تاریخی آیین عرس مزارات مشهور در شهر لاهور^۱

ساجد علی^۲

ناصر باقری بیدهندی^۳

نعمت الله صفری فروشانی^۴

چکیده

صوفیان از قرن پنجم، در شهر لاهور مانند سایر شهرهای شبه قاره هند، مورد احترام مذاهب، مسالک و فرقه‌های مختلف قرار گرفتند. از این رو، ساخت مراقد و رفتن به مزارات آنها، امری مطلوب بوده است. هر ساله مجالس باشکوه در روزهای تولد و یا وفات صوفیان با اسم بزرگداشت آنان برگزار می‌شوند که آن را به اصطلاح مردم شبه قاره هند، «عرس» می‌گویند. امروزه، برگزاری آیین عرس مزارات مشهور لاهور، به عنوان یک فرهنگ شکل گرفته است.

این نوشتار، در صدد است با روش توصیفی - تحلیلی و میدانی، به این پرسش پاسخ دهد که چه تحلیل تاریخی از آیین عرس مزارات مشهور لاهور می‌توان ارائه کرد؟ نتایج این بررسی، نشانگر آن است که فرهنگ زیارت و بزرگداشت سالیانه، قبل از ورود اسلام به

۱. برگرفته از رساله دکتری دفاع شده در مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی وابسته به جامعه المصطفی ﷺ.

۲. دکترای تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه ﷺ: sajidalil1980@yahoo.com

۳. استادیار مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه ﷺ:

Nbaqri@gmail.com

۴. استاد مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه ﷺ (نویسنده مسئول):

nsafari8@gmail.com

شبه‌قاره هند، وجود داشت که در فرهنگ جدید، یعنی فرهنگ اسلامی - هندویی هم رسوخ پیدا کرد. تأثیرپذیری از فرهنگ هند و اسلام مرقدگرا، از ریشه‌های مهم جایگاه اجتماعی و فرهنگی صوفیان و حمایت گورکانیان (۱۲۷۴-۹۳۲ ه.ق) از آنهاست. گسترش و شکل‌گیری گردشگری مذهبی، مراکز فرهنگی و فرهنگ پیر و مرید، از پیامدهای مهم آیین عرس بوده است.

واژگان کلیدی

تحلیل تاریخی، آیین عرس، مزارات مشهور، لاهور.

مقدمه

شهر لاهور، از قرن پنجم هجری پذیرای صوفیانی بود که به این دیار آمده بودند و همواره نقش و جایگاه قابل توجهی در آن جامعه داشته‌اند. مزارات آنها، تأثیر قابل توجهی بر وضعیت فرهنگی این منطقه گذاشته است. هر ساله در مواقع معین، مجالس باشکوه در مزارات مشهور لاهور، در روزهای تولد و یا وفات صوفیان با هدف بزرگداشت این بزرگان برگزار می‌شود که آن را به اصطلاح مردم شبه‌قاره هند، «عرس» می‌گویند. بنا بر اعتقاد متولیان مزارات، هدف اصلی از این مراسم، در واقع، تجلیل از خدمات والای آن بزرگان و زنده نگهداشتن یاد آنهاست.

امروزه، آیین عرس مزارات مشهور لاهور، از جمله نقاط قوت شهر لاهور به شمار می‌آید که تعداد قابل توجهی از زائران و توریست‌های داخلی و خارجی را به سوی خود معطوف ساخته است. علاوه بر این، از آنجا که هنگام عرس، مزارات محل تجمع افراد گوناگونی‌اند، می‌توانند جایی مناسب برای برقراری روابط فرهنگی باشد. از این رو، شاهد شکل‌گیری این گونه روابط در مجاورت مزارات هستیم که به شکل بازارهای فرهنگی، ظهور یافته‌اند.

جایگاه اجتماعی و فرهنگی آیین عرس مزارات مشهور لاهور، این الزام را به میان می‌آورد که مسئله آیین عرس، از ابعاد مختلف، مورد پژوهش قرار گیرد؛ اما پژوهش‌هایی که بر محور مزارات مشهور لاهور صورت گرفته، اهمیت و ضرورت زیارت، زندگی‌نامه، تعلیمات و کرامات صوفیان، بسیاری از محققان را از پرداختن به تحلیل تاریخی آیین عرس

این مرآد به عنوان نهادها و نمادهای فرهنگی بازداشته است. با توجه به اینکه این تحقیق در صدد تحلیل تاریخی آیین عرس است، آیین عرس از ابعاد فقهی و کلامی مورد نظر نیست. بنابراین، این پژوهش در صدد تاریخچه آیین عرس از یک سو، و از سوی دیگر، ریشه‌ها و عوامل گسترش این آیین و همچنین، پیامدهای آیین عرس مزارات مشهور لاهور می‌باشد.

۱. ادبیات تحقیق

۱-۱. مفهوم‌شناسی

در ذیل، به مفاهیمی که این نوشتار وابسته به شناخت آنهاست، خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱. آیین عرس

عرس (Urs)، در لغت اردو به معنای دعوت عروس و طعام عروس است (دهلوی، ج ۳ و ۴: ۵۰۸). عرس را میله (Mela) هم می‌گویند. میله در لغت اردو، به معنای: هجوم، ازدحام و جلسه فقراء آمده است (همان). هرساله در مواقع معین، مجالس باشکوه در مزارات لاهور، در روزهای تولد و یا وفات صوفیان با هدف بزرگداشت آنها برگزار می‌شوند که آن را به اصطلاح مردم شبه‌قاره هند، «عرس» می‌گویند. بنا بر اعتقاد متولیان مزارات، هدف اصلی از این مراسم، در واقع، تجلیل از خدمات والای آن بزرگان و زنده نگهداشتن یاد آنهاست.

همراه عرس، جشن بزرگی که «میله» نامیده می‌شود، در کنار مزارات برپا می‌شود که ویژگی شاخص آن، انجام ورزش‌های سوارکاری، نمایش گاو و برگزاری چندین اجتماع مردمی است. مراسم ویژه این روز، شامل: بازی، رقص حیوانات، نمایش گروه‌های موسیقی بزرگ، نمایش‌های باغ وحش و رقص‌های محلی است. بزرگ‌ترین پیام این مراسم، مسئله بیعت عمومی با پیر و صاحب مزار است که مردم به منظور بزرگداشت یاد و خاطره صاحب مزار، به دور هم جمع می‌گردند. در حین برگزاری مراسم عرس، شعائر اسلامی مختلفی از قبیل برگزاری: نماز جماعت، دعا و توسل، نذر و نیاز، وعظ و خطابه و سخنرانی‌های مذهبی هم به چشم می‌خورد (چشتی، ۲۰۰۶: ۲۵۵).

۱-۱-۲. مزارات مشهور

مزار، یک واژه عربی است که در فارسی به معنای جای زیارت، مرقد، زیارتگاه، گور و آرامگاه آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۲۰۷۳۹). در لغت اردو نیز مانند لغت عربی و فارسی، مزار به معنای جای زیارت، مقبره، درگاه، آستانه، قبر، قبر سید، پیر یا ولی است (دهلوی، ج ۳ و ۴: ۳۳۹). امروزه به اغلب مزارات، در فرهنگ عامه (شبه‌قاره هند) «دربار» گفته می‌شود. دربار، در لغت اردو، به معنای: مجلس پادشاه، دادگاه پادشاهی، مجلس شاهان، محل، قصر، حاضری و حاضرباشی است. (مولوی: ۶۲۰). دربار، به معنای: درگاه، بارگاه و آستانه هم آمده است. به نظر می‌رسد که در فرهنگ عامه، چون صوفی را به عنوان پادشاه روحانی می‌شناسند، مزار وی را هم دربار آن صوفی می‌گویند؛ اما در تحقیقات، از واژه «مزارات» استفاده می‌شود.

با توجه به اینکه شهر لاهور دارای مزارات بسیاری است و این تحقیق در صدد تحلیل تاریخی آیین عرس مزارات مشهور لاهور است، مقصود ما از مزارات مشهور لاهور، مزاراتی‌اند که حد اقل دارای سه ملاک باشند:

یک. مزار دارای ساختمان و تشکیلات خاص باشد؛ مانند: گنبد، صحن و رواق. همچنین، تحت نظر هیئت اُمنای متولی یا وزارت اوقاف باشد. مردم آن جامعه، آن مزار را بشناسند و برای زیارت به این مزار سر بزنند.

دو. مزار دارای آیین‌ها و رسوم باشد؛ مراسم خاص که اکثریت مردم شهر لاهور، در آن شرکت می‌کنند.

سه. شخصیت صاحب مزار، بر اساس فرهنگ آن جامعه، از لحاظ دینی، تاریخی و عرفانی پذیرفته شده باشد؛ به‌گونه‌ای که بیشتر مردم آن جامعه (لاهور)، صاحب مزار را بشناسند و به وی احترام بگذارند.

بر اساس ملاک‌های ذکر شده می‌توان گفت که سه مزار: علی بن عثمان هجویری (Hujveri)، شاه حسین لاهوری (م ۱۰۰۸ق) و میان میر (Mian Mir) (۱۰۴۵ق م) مزارات مشهور لاهورند.

۲-۱. جغرافیای تاریخی شهر لاهور

شواهد خاصی در کتب تاریخی وجود ندارند که از آنها معلوم شود که شخص معینی در

زمان معین شهر لاهور را تأسیس کرد. روایت‌های مختلف درباره تاریخ و مؤسس شهر لاهور وجود دارند؛ اما بنا بر قول مشهور، شهر لاهور را «لو» (Loh)، پسر راجه رام چندر (Raja Ramchandrar)، آباد کرد و این شهر را «لو پور» (Loh pur) اسم گذاشت (چشتی، ۲۰۰۶: ۵۷). ذکر شهر لاهور، اولین بار در قرن چهارم هجری در کتاب حدود العالم آمده است. طبق گزارش این کتاب، شهر لاهور، مشتمل بر منطقه وسیع، دارای بازار و بتخانه‌های متعدد بود. در آن زمان، مردم این شهر همه بت پرست بودند (حدود العالم، مصحح: یوسف الهادی، ۱۳۲۳: ۸۵).

در قرن پنجم، از دیدگاه بیرونی (م ۴۴۰ق)، لاهور یک شهر مستقل نبود؛ بلکه منطقه‌ای تحت فرمان مندهوکوت بود (بیرونی، ۱۴۰۳: ۱۴۶). بیهقی (م ۴۷۰ق)، ضمن نقل وقایع قلعه مندهوکوت، شهر لاهور را هم ذکر می‌کند (بیهقی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۴۸). ادیسی (م ۵۶۰ق)، لاهور را یکی از مشهورترین شهرهای هند معرفی می‌کند (ادیسی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۸۰). سمعانی (م ۵۶۲ق)، لاهور را شهری پُرخیرو برکت معرفی می‌کند و می‌گوید جماعتی از علما، از این شهر به وجود آمده است (سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ۲۳۴). یاقوت حموی (م ۶۲۶ق)، لاهور را شهری عظیم و مشهور از بلاد هند می‌شمارد (حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۲۶).

البته اسم شهر لاهور، در کتب تاریخی با اشکال مختلف وارد شده است. بیرونی، اسم این شهر را «لوهاور» (Lohavar/Luhavar/Lauhavar) نوشته است (بیرونی، ۱۴۰۳: ۱۴۶). یاقوت حموی، بعد از معرفی این شهر، اسم را به صورت «لهاور» (Lohavar) ذکر کرده است (حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۲۶). سمعانی، برای لاهور دو اسم «لوهور» (Lauhor/Lohor/Lohur) و «لهاور» را ذکر می‌کند (سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ۲۳۴). البته برخی کتب، اسم این شهر را «لاهور» (Lahore) هم نوشتند (بتالوی، ۱۹۱۸: ۹۷). با توجه به اینکه درباره نام شهر لاهور و وجه تسمیه آن، اظهار نظرهای مختلفی صورت گرفته است، اما مقصود همه آنها، شهر لاهور است و اختلاف فقط در تلفظ آن است.

شهرت و اعتبار لاهور، مربوط به اواخر سلسله غزنویان (۵۸۲-۳۶۶ق/۱۱۸۶-۹۷۷م) است که به عنوان پایتخت سیاسی و فرهنگی انتخاب شد و به «غزنی ثانی» معروف گردید (احمد، ۱۳۶۶: ۱۰۱). در سال ۴۱۲ق، سلطان محمود غزنوی (۴۰۵-۴۲۱ق) لاهور را تسخیر کرد. از این زمان، شهر لاهور تحت فرمان مملکت اسلامی درآمد. در سال ۶۰۲ق،

یکی از سرداران شهاب‌الدین محمد غوری (۵۹۹-۶۰۲ق) به نام قطب‌الدین ایبک (۶۰۲-۶۰۷ق)، رسماً لاهور را پایتخت خود قرار داد. از آن پس، سلسله‌های مسلمان، شهر دهلی را پایتخت خویش قرار دادند و لاهور را به آن وابسته کردند. در دوره حکومت بابرین (۱۲۷۴-۹۳۲ق)، هرازگاهی لاهور به عنوان پایتخت انتخاب می‌شد (استرآبادی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۰۸). (عکس شماره ۱)

۳-۱. نگاهی به شرح حال صوفیان مشهور لاهور

در ذیل، به صورت اختصار، به شرح حال صوفیان مشهور لاهور خواهیم پرداخت.

۱-۳-۱. شیخ ابوالحسن علی بن عثمان هجویری

وی معروف به «داتا گنج بخش» (Data ganj bakhsh)، از نخستین مبلغان اسلام در هند به شمار می‌آید. او از ساکنان غزنه در افغانستان کنونی بود. هجویری، مرید ابوالفضل بن محمد بن حسن خُتلی (م ۴۶۰ق) و او شاگرد ابوالحسن حُصری بود. وی علاوه بر خُتلی، از فیض سایر مشایخ نیز بهره برد و در کتاب خود کشف المحجوب به توصیف آنان پرداخته است. همان‌گونه که کتب کهن تاریخی درباره تاریخ تولد و شرح حال هجویری هیچ نوع رهنمونی نمی‌کنند، درباره تاریخ دقیق ورود او به لاهور نیز اطلاعی به دست نمی‌دهند و مورخان به حدس و گمان روی آورده‌اند. افزون بر این، بر سر سال تاریخ وفات هجویری همچون ولادتش نیز به حدکافی اختلاف نظر وجود دارد.^۱

۲-۳-۱. میان میر

در شهر سیوستان، یکی از شهرهای قدیمی استان سنده در پاکستان، در سال ۹۳۸ق متولد شد. در سن بیست‌وپنج سالگی میان میر برای تحصیل علوم متوجه شهر لاهور شد و در حلقه درس مولانا سعدالله حاضر می‌شد. در همان ایام، چندین سال در درس مولانا نعمت‌الله آخوند نیز تحصیل نمود. سلاطین عصر، خواص و مردم عامی، ارادت و علاقه خاصی به میان میر داشتند. روش زندگی میان میر و مریدانش خیلی ساده بود و از سلسله قادریه پیروی می‌کردند. نقل شده است که میان میر حدود شصت سال در شهر لاهور اقامت

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: محمد داراشکوه، سفینه الاولیاء، ص ۹۳؛ منشی محمد دین فوق، داتا گنج بخش، ص ۲۱؛ محمد باقر، احوال داتا گنج بخش هجویری، ص ۳۵-۵۵؛ نامی، غلام دستگیر، بزرگان لاهور، ص ۳۵-۱۵.

داشت و در سال ۱۰۴۵ق در محله خافی پور شهر لاهور درگذشت. ۱.

۳-۱. شاه حسین لاهوری

شاه حسین لاهوری، معروف به «مادُهو لال حسین» در سال ۹۴۵ق در شهر لاهور، در منطقه بیرون دروازه تکسالی به دنیا آمد. گفته می‌شود که وی سرپیچی از ظواهر شریعت را شروع کرد و پس از تراشیدن ریش، به طور علنی، به رقص و سرود و شراب‌خوری علاقه پیدا کرده بود. بنابراین، شیوه او با مخالفت سختی روبه‌رو شد. شاه، اشعار خود را در کوچه‌های شهر لاهور، با صدای بلند می‌خواند. بعدها این اشعار با عنوان «شاه حسین دیان کافیان» معروف گردید. وی در سال ۱۰۰۸ق، در لاهور چشم از جهان فرو بست. ۲.

۴-۱. روش تحقیق

با توجه به موضوع این تحقیق، روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی، و نوع منابع تحقیق، کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. این پژوهش، ضمن استفاده از تألیفات و نوشته‌های دست‌اول، از روش میدانی نیز بهره برده و از طریق مشاهده آیین عرس و شرکت در مراسم و آیین‌های عرس مزارات مشهور لاهور، عکس‌برداری، توصیف، استنباط و تحلیل متغیرها و داده‌های حاصل از مشاهدات، در جمع‌آوری اطلاعات کوشیده و سپس، به تحلیل آنها پرداخته است.

۵-۱. پیشینه تحقیق

شهر لاهور، واقع در مرکز ایالت پنجاب، به جهت صوفیان و مزارات ایشان، به مدینه الاولیاء معروف است و موضوع مزارات، نقش مهمی را در زندگی مردم آن جامعه ایفا می‌کند. به همین سبب، تحقیقات فراوانی در مورد جنبه‌های مختلف صوفیان و این اماکن صورت گرفته است. این تحقیقات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

یک. دسته اول، تحقیقاتی هستند که در آنها، به شرح حال صوفیان شبه‌قاره هند پرداخته شده است و در ضمن مباحث، شهر لاهور و مزارات برخی از صوفیان این شهر هم

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: محمد داراشکوه، سفینه الاولیاء، ص ۷۰؛ عابد نظامی، لاهور مین اسلام کی سفیر، ص ۱۵۷؛ ملک محمد لطیف، اولیای لاهور، ص ۳۵-۶۰۰.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: عابد نظامی، لاهور مین اسلام کی سفیر، ص ۱۲۲؛ نور احمد چشتی، تحقیقات چشتی، ص ۳۰۸.

ذکر شده‌اند و یا پژوهش‌هایی‌اند که در آنها، پیرامون یکی از مزارات لاهور، بحث شده است. در واقع، اینها تذکره‌های تک‌نگاری‌اند که در آنها به زندگی‌نامه و شرح حال یکی از اولیای لاهور، پرداخته شده است؛ مانند سکینه‌الاولیاء^۱ و تذکره‌های منشی محمد دین فوق^۲.

این دسته از تحقیقات، می‌تواند برای شناخت شرح حال صوفیان مشهور لاهور، برای این مقاله مفید باشد؛ اما آن طور که از برخی عناوین این دسته از تألیفات به دست می‌آید، مانند هند اور پاکستان کی اولیاء از مفتی شوکت علی فهمی، اولیای ملتان از سید محمد اولاد علی گیلانی و خزینة الاصفیاء از مفتی غلام سرور. این‌گونه تحقیقات، مزارات لاهور و شهرهای دیگر را مستقلاً مورد بحث قرار ندادند؛ بلکه در ضمن پرداختن به زندگی‌نامه، شجره‌نامه، کرامات، حیات علمی و فکری اولیا و صوفیان، درباره مزارات آنها نیز بحث کردند.

علاوه بر این، در برخی از این دسته از تألیفات، در خصوص یکی از مزارات لاهور بحث شده است. در واقع، این نوع کتاب‌ها زندگی‌نامه به حساب می‌آید که در آن، شجره‌نامه، کرامات، حیات علمی و فکری آن صوفی و بزرگ بیان شده است. در این تألیفات، ضمن پرداختن بسیار گذرا به این موضوع، تنها یک یا دو مزار معرفی شده‌اند و به مزارات مشهور لاهور پرداخته نشده است. حوزه کار این دسته از تحقیقات، شهر لاهور و هم خارج از لاهور است.

دو. دسته دوم، تحقیقاتی‌اند که در آنها شرایط جغرافیایی و تاریخی استان پنجاب و شهر لاهور، و همچنین، موقعیت تاریخی و جغرافیایی مزارات مشهور لاهور مشخص شده است؛ مانند تحقیقات چشتی^۳ و تاریخ لاهور^۱.

۱. این کتاب، در سال ۱۰۵۱ق توسط محمد دارا شکوه تألیف شد. دارا شکوه، مطالعات بسیاری در عرصه عرفان و تصوف اسلامی داشت و مهم‌ترین دغدغه‌اش، تقریب مذاهب بود. این اثر نیز تذکره‌ای در باب اولیای قادری چون میان میر و خواهرش جمال خاتون، ملّاشاه و تنی چند از مشایخ دیگر این طریقت است. میان میر قادری لاهوری، مرشد و استاد داراشکوه بود.

۲. منشی محمد دین فوق (۱۳۶۲م)، کتاب‌هایی درباره صوفیان و اولیای لاهور نوشته است؛ مانند: یاد رفتگان، مکمل سوانح عمری داتا گنج بخش، تاریخ شالیمار باغ و لاهور در عهد مغلیه.

۳. این کتاب، توسط مولوی نور احمد چشتی (۱۲۸۴م) نوشته شد. تحقیقات چشتی، در واقع، تحقیقی است درباره بیرون شهر لاهور است که مصنف آن را با کمک و همکاری کارمندان دولتی، متولیان مساجد و سجاده‌نشینان

با توجه به اینکه دسته دوم از تألیفات، کتاب‌هایی‌اند که در آنها شرایط جغرافیایی و تاریخی شهر لاهور، و همچنین، موقعیت تاریخی و جغرافیایی مزارات، باغات و ساختمان‌های آن شهر مشخص شده است؛ مانند: تاریخ لاهور، تاریخ پنجاب و آب کوثر. از این رو، می‌تواند برای شناخت تاریخ لاهور، موقعیت تاریخی و جغرافیایی مزارات مشهور لاهور، مفید باشد؛ اما این‌گونه تألیفات، چون کتب تاریخ محلی‌اند، بیشتر جنبه تاریخی دارند و به تاریخ لاهور و پنجاب پرداختند. البته در ضمن بحث تاریخی، بعضی از صوفیان لاهور و مزارات آنها را هم ذکر کردند؛ ولی مزارات مشهور لاهور را از لحاظ آیین عرس مورد بحث قرار ندادند.

سه. دسته سوم، تألیفاتی‌اند که در آنها اعتقادات، اخلاقیات، آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه پنجاب ذکر شده است؛ مانند پنجاب ۲.

با توجه به اینکه دسته سوم تألیفاتی‌اند که در آنها اعتقادات، اخلاقیات، آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه پنجاب ذکر شده است، این‌گونه تألیفات می‌تواند برای شناخت فرهنگ جامعه پنجاب و لاهور، برای این مقاله مفید باشد؛ ولی در این تألیفات، آیین‌هایی که در مزارات مشهور لاهور برگزار می‌شود، مورد بررسی قرار نگرفته است. در نتیجه، می‌توان گفت در هر سه دسته از تحقیقات، تحلیل تاریخی آیین عرس مزارات مشهور لاهور، مورد تحقیق قرار نگرفته است.

بنابراین، رسالت عمده این مقاله، در واقع، تحلیل تاریخی آیین عرس مزارات مشهور لاهور است که در مرحله اول، تاریخچه آیین عرس مزارات مشهور لاهور مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله دوم، ریشه‌ها آیین عرس مورد تحقیق قرار می‌گیرد و در مرحله بعدی،

مزارات به تکمیل نمود.

۱. مصنف تاریخ لاهور، کُنْهیا لال لاهوری (۱۳۰۶م) است. قسمت اول کتاب، درباره دروازه‌های شهر لاهور، دانشگاه‌ها، دانشوران و شاعران مطبخ‌خانه‌هاست و قسمت دوم، مربوط به محله‌های شهر لاهور است. قسمت سوم کتاب نیز درباره اماکن هندوهاست و قسمت بعدی، مشتمل بر چند فصل است؛ در فصل اول، معبد و مزارات که بیرون شهر واقع‌اند، آمده و در فصل دوم، اماکن مقدسه که مربوط به مسلمانان‌اند و بیرون شهر واقع‌اند، معرفی شده است.

۲. این کتاب، در سال ۱۹۱۱م توسط ای. دی میکلیگن نوشته شده است. وی در این کتاب، سلسله‌های صوفیان پنجاب را ذکر می‌کند. علاوه بر این، نوع مراسم و مناسکی که در برخی مزارات پنجاب برگزار می‌شوند نیز در این کتاب بیان شده است.

علل گسترش آیین عرس، و در آخر، پیامدهای آیین عرس مزارات مشهور لاهور ارائه می‌گردد.

۲. تاریخچه آیین عرس مزارات مشهور لاهور

در ادامه، به تاریخچه مزارات مشهور خواهیم پرداخت.

۱-۲. تاریخچه آیین عرس مزار هُجویری

بزرگ‌ترین آیین عرس، در استان پنجاب که در کشور پاکستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، عرس علی بن عثمان هجویری است که در هر سال، روزهای ۱۸، ۱۹ و ۲۰ ماه صفر برگزار می‌شود. گفته می‌شود تاکنون ۹۷۴ عرس و مراسم بزرگداشت برای هجویری برگزار شده است (عکس شماره ۲). با توجه به اینکه اختلاف در تاریخ وفات هجویری خیلی زیاد است، به طور یقین نمی‌توان گفت که مزار وی توسط چه کسی ساخته شد و اولین بار چه کسی برای زیارت این مزار آمده است؛ اما از شواهد به‌دست‌آمده مانند: رفتن خواجه معین‌الدین اجمیری^۱ در سال (۵۸۰ق) به مزار هجویری و به مدتی در مزار به عبادت پرداختن (عکس شماره ۳)، و همچنین وجود چله‌گاه بابا فرید گنج شکر (Fariduddin Ganjshakar)^۲ در سال (۶۰۰ق) نزدیک مزار هجویری، می‌توان نتیجه گرفت که این مزار در سال (۵۸۰ق) وجود داشته است؛ ولی از این‌گونه شواهد نمی‌توان برگزاری آیین عرس را هم در همان سال‌های اولیه به دست آورد.

علاوه بر این، با توجه به اینکه در تواریخ محلی و هیچ مأخذ کهن دیگری شرح حال

۱. خواجه در سیستان متولد شد و در خراسان نزد شیخ عثمان هارونی که نسب تعلیمش به خواجه ابو احمد ابدال چشتی (م ۳۵۵ق) مقدم سلسله چشتیه می‌رسیده، تعلیم یافت. خواجه بعد از مدتی، به بلخ، غزنین و لاهور رفت و چند وقتی را بر مزار هجویری معتکف شد. بعد به ملتان، و سپس به اجمیر رفت و در عهد قطب‌الدین ایبک و شمس‌الدین التتمش در هندوستان سرگرم گرد آوردن مریدان شد. سرانجام در شهر اجمیر در سال ۶۳۳ق درگذشت و مزارش تاکنون زیارتگاه خاص و عام روزگار است. (ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۱، ص ۱۷۵؛ محمد داراشکوه، سفینه الأولیاء، ص ۹۴)

۲. نزدیک مزار هجویری، به مقام کچهری، به طرف مغرب بر جای بلند، چله‌گاه بابا فرید گنج شکر واقع است. چله بابا فرید، جایی است که وی در اینجا به مدت چهل روز به عبادت مشغول بود. نام بابا فرید، مسعود است و لقبش فریدالدین، اما به نام شکرگنج در میان مردم شهرت دارد. مزارش در شهر «پاک پتن» زیارتگاه خاص و عام است. (ظهورالدین احمد، تاریخ ادب فارسی در پاکستان، ج ۲، ص ۲۲۷)

هجویری و مزارش یافت نمی‌شود، همچنین این تعداد ۹۷۴ عرس در هیچ تاریخ محلی معاصر مانند تحقیقات چشتی از نور احمد چشتی (۱۲۸۴م)، و تاریخ لاهور از محمد لطیف (۱۹۰۲م) هم نیامده است، نمی‌توان تاریخ دقیق را برای آغاز عرس هجویری نوشت. این تعداد عرس، فقط در دعوت‌نامه‌هایی از سوی تولیت این مزار موقع عرس چاپ می‌شوند و یا در روزنامه‌ها نوشته می‌شود که هیچ اعتبار تاریخی ندارد (عکس شماره ۴).

۲-۲. تاریخچه آیین عرس مزار میان میر

آیین عرس میان میر که در هر سال روزهای ۷، ۸ و ۹ ماه ربیع الأول در شهر لاهور بر مزار وی برگزار می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عکس شماره ۵). گفته می‌شود تاکنون ۳۹۴ عرس و مراسم بزرگداشت برای میان میر برگزار شده است. آغاز عرس میان میر و همچنین این تعداد (۳۹۴ عرس)، در هیچ تاریخ محلی نیامده است. گفتنی است که مزار میان میر را داراشکوه، مرید میان میر، در عهد شاه جهان گورکانی (۱۰۶۹-۱۰۳۷ق) تعمیر کرد و در همان زمان ایشان مریدهای بسیاری پیدا نمود. مریدان میان میر، مزار وی را هم برای زیارت و هم برای ذخیره آخرت قرار دادند (لطیف، ۲۰۰۴: ۲۴۷).

در صحن مزار، قبر پسر خواهر میان میر، محمد شریف است. وی اولین متولی این مزار هم بوده که در سال ۱۰۵۴ق درگذشت. قبر دیگر، متعلق به مرید میان میر، حاجی محمد صالح است. او در سال ۱۰۴۵ق درگذشت (همان). بنابراین، بعید به نظر می‌رسد که مریدان میان میر مراسم بزرگداشت برای وی برگزار نکرده باشند. پس، تعداد عرس حدوداً درست به نظر می‌رسد؛ اما شیوه برگزاری عرس، برای ما چندان روشن نیست.

۲-۳. تاریخچه آیین عرس مزار شاه حسین لاهوری

هرسال در دهه آخر ماه مارس، مراسم آیین عرس شاه حسین بر مزار وی در شهر لاهور انجام می‌گیرد. آیین عرس شاه حسین با نام «میلہ چراغان» معروف است (عکس شماره ۶). گفته می‌شود تاکنون ۴۲۹ عرس و مراسم بزرگداشت میان میر برگزار شده است. نقل شده که شاه حسین لاهوری، در کنار رود راوی (Ravi River) ۱ به مقام شاهدره (Shahdara)، در لاهور دفن گردید؛ اما وقتی که به علت سیل مسیر رود خانه عوض شد،

۱. در کنار شهر لاهور، رودخانه‌ای به نام راوی واقع است. (محمد لطیف، تاریخ لاهور، ص ۲۵۶)

مرید وی، مادهو، جسد وی را به مقام امروزی انتقال داد (قادری: ۱۰۵).
با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که در گذشته مزار و مدفن در مکان دیگر بود و بعدها از آن مکان، به باغبان پوره انتقال یافته است. اینکه چگونه و چطور و در کدام سال این انتقال صورت گرفت، مسئله‌ای است که مورخان لاهور، مانند سید محمد لطیف (۱۹۰۲م) و نور احمد چشتی (۱۲۸۴م)، نتوانسته‌اند به آن پاسخ دهند. بنابراین، نمی‌توان تاریخ دقیقی برای مزار و عرس شاه حسین نوشت؛ ولی شرکت رنجیت سنگ (۱۸۳۹-۱۷۹۹حک) در مراسم آیین عرس شاه حسین، ما را به این نتیجه می‌رساند که در زمان رنجیت سنگ، مراسم عرس برگزار می‌شد.

۳. ریشه‌ها تاریخی آیین عرس مزارات مشهور لاهور

در ذیل، به ریشه‌های آیین عرس خواهیم پرداخت.

۳-۱. تأثیرپذیری از فرهنگ عمومی هند

هنگامی که اسلام وارد شبه‌قاره هند شد، با تمدنی پیشرفته در این منطقه مواجه گردید؛ تمدنی که دارای ادیان سازمان‌یافته مانند: هندوئیسم، نظام کاستی و نظام‌های سیاسی پیچیده‌ای بود. از طرف دیگر، ویژگی اصلی فرهنگ هند، ترکیبی بودن آن است. این فرهنگ، شامل اندیشه‌ها و مسلک‌های گوناگونی است که عقاید، رسوم، شعائر، نهادها، هنرها، مذاهب و فلسفه‌هایی را در خود پرورانده است که به قشرهای مختلف جامعه در مراحل گوناگون تکامل تعلق دارد. بنابراین، شاه‌کلید فهم فرهنگ هند، در خصلت بنیادی فرهنگ هندی است؛ خصلتی که می‌توان آن را ترکیب‌گری دانست (رحمانی، ۱۳۹۴: ۴۵).
به همین جهت، برخی معتقدند که روابط متقابل بین هندوان و مسلمانان باعث تفاهم گشته، تلاش برای یافتن شیوه جدید از زندگی آغاز گردید که نتیجه آن، ایجاد فرهنگ اسلامی-هندویی بود. زندگی مسالمت‌آمیز و درک متقابل ساکنان هند و مسلمانان، پذیرش برخی از آداب و رسوم هندی توسط مسلمانان، و از سوی دیگر، نفوذ فرهنگ اسلامی در میان هندوها و پیروان سایر ادیان گردید (تاراچند، ۱۳۷۴: ۲۷ و ۲۸).

۱. رنجیت سنگ، سیک‌ها را منظم کرد و به شهر لاهور حمله کرد و حکومت آن را در دست گرفت. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: مولوی محمد عبدالله قریشی، نقوش نمبر لاهور، ج ۱، ص ۵۳۰.

فرهنگ زیارت و بزرگداشت سالیانه، قبل از ورود اسلام به هند وجود داشت که در فرهنگ جدید، یعنی فرهنگ اسلامی - هندویی هم رسوخ پیدا کرد. در شهر ملتان (Multan)، بتخانه بزرگی وجود داشت که هندوان از سراسر شبه‌قاره هند برای زیارت آن می‌آمدند. اصطخری (م ۳۴۶ق) می‌گوید: در این شهر، بتی هست و هندوان از ولایت‌های دور به حج آن می‌آیند (اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۷۴ و ۱۷۵). یاقوت حموی (م ۶۲۶عق) نیز همین اعتقاد را دارد که از دور ترین نقاط هند برای زیارت بت آن، به ملتان می‌رفتند (حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۲۲۷). در نتیجه، می‌توان گفت که فرهنگ زیارت و بزرگداشت سالیانه، قبل از ورود اسلام به هند در شبه‌قاره هند وجود داشته و شهر ملتان برای ساکنان هند همان اندازه اهمیت داشت که مکه در شبه‌جزیره عربستان برای اعراب ارزش و اعتبار داشت.

به علاوه، فرهنگ نذر و وقف، مانند فرهنگ بزرگداشت، قبل از ورود اسلام به هند وجود داشت. در یکی از شهرهای هند، به نام سومنات، بتی بود که نزد ساکنان هند شأن بزرگی داشت. هدایای بسیار گرانبهایی برای آن بت می‌بردند و زیاد بر ده هزار قریه، وقف آن بود. علاوه بر این، دختران نوس خود را نذر آن بت می‌کردند که در آن بتخانه خدمت کنند و پیش روی بت مشغول رقص و غنا باشند (قزوینی، ۱۹۹۸: ۹۵). در نتیجه، می‌توان گفت که فرهنگ نذر و وقف هم، قبل از ورود اسلام به هند وجود داشته و مردم با این فرهنگ آشنایی داشتند.

۲-۳. اسلام مرقدگرا

هنگام ورود اسلام به شبه‌قاره هند، از نظر مذهبی در هند، ادیان مختلفی وجود داشت که مهم ترین آنها، ادیان بودیسم و هندوئیسم بودند (ویل دورانت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۸۱-۵۰۲). در این فضای متغیر و سیال بود که در هند اشکال مختلفی از اسلام رواج پیدا کرد؛ اسلام علما، صوفی‌گری شریعت‌گرا، صوفی‌گری مرقدگرا و اسلام اصلاح طلب؛ اما ورای همه این اشکال چهارگانه، می‌توان در بدنه جامعه و عموم مردم، شکلی از دینداری عامه یا اسلام تعیین یافته و مشاهده شده (Observed Islam) یافت. این اسلام، بیش از همه در قالب مرقد، مزار و ضریح خودش را متجلی می‌کند (ایرا ام، ۱۳۸۷: ۶۲۱). از سوی دیگر، به واسطه مشارکت مسلمانان در آیین‌های سایر ادیان، البته با توجه به

نقش صوفیان در گسترش اسلام در هند، گفتمان اسلام صوفیانه بیشترین قابلیت را برای گرفتن رنگ و بوی هندی و به عبارت دقیق‌تر، صورت‌بندی اسلام هندی دارا بوده است. به همین دلیل، بدنه مسلمانان بیش از همه، روایتی ترکیبی و درهم‌آمیخته را در بستری از نگرش‌های صوفیانه از اسلام دارد.

بعد از ورود اسلام، مردم مذاهب مختلف در شهر لاهور زندگی می‌کردند؛ مانند مسلمان، هندو، مسیحی، سیک، زرتشت و جین (کننگهم و دیگران، ۲۰۰۸: ۸۵-۹۰). در این شهر هم اسلام بیش از همه، خودش را در قالب مرقد و مزارات متجلی کرد. به همین دلیل، امروزه مردم شهر لاهور، اعم از مسلمانان و مذاهب دیگر، مانند: سیک‌ها، هندوها و مسیحی‌ها، به مزارات لاهور سر می‌زنند و در مراسم فرهنگی مانند آیین عرس شرکت می‌نمایند و گاهی هدایایی نیز برای مزارات لاهور می‌آورند (فوق: ۲۱).

۴. علل گسترش آیین عرس مزارات مشهور لاهور

در ادامه بحث، به بیان مهم‌ترین علل گسترش آیین عرس خواهیم پرداخت.

۱-۴. جایگاه اجتماعی و فرهنگی صوفیان و مزارات آنها

جایگاه اجتماعی و فرهنگی صوفیان و مزارات آنها، یکی از علت‌های مهم گسترش آیین عرس بوده است. همچنان‌که برخی از محققان اعتقاد دارند، مبلغان اولیه اسلام در هند که بیشتر صوفی بودند (قاسمی، ۱۳۵۰: ۳)، موفقیت‌های بسیاری به دست آوردند. آنان با حسن اخلاق و با روش تساهل و تسامح، موفق شدند که دل‌های مردم را به سوی خود جلب نمایند. خانقاه‌ها و حجره‌های کوچک آنان، بهترین مکتب‌های دوران خود بودند؛ به طوری‌که خانقاه‌ها، مراکز عشق و علاقه مردم شده بودند. هندوها، بودایی‌ها و مسلمانان، پیران، جوان، روستاییان، شهرنشینان، اعم از زن و مرد، به خانقاه‌ها می‌رفتند و تحت تأثیر زندگی ساده صوفیان قرار می‌گرفتند (Nizami, 1984, p: 42-46).

به دلیل علاقه زیاد مردم به آنان، بعد از درگذشت صوفیان، رفتن به مزارات صوفیان از قدیم مورد عنایت مردم شبه‌قاره هند قرار داشته است. مسلمانان برای گرامی‌داشت شأن و جایگاه ایشان، بقعه‌هایی بر فراز مزار ایشان بنا می‌کردند. این امکان به سبب مقبره بزرگان،

به محلی برای زیارت، دعا و عبادت تبدیل شدند.^۱ به صوفیان مانند سایر شهرهای هند، در شهر لاهور نیز مورد احترام مذاهب، مسالک، گروه‌ها و فرقه‌های مختلف قرار گرفتند. از این‌رو، ساخت مراقد و رفتن به مزارات برای بزرگداشت شأن و جایگاه معنوی این بزرگان، از تکالیف دینی دانسته شد و از قدیم، رفتن به مزارات لاهور و برگزاری آیین عرس، به عنوان یک فرهنگ شکل گرفت.

۲-۴. حمایت پادشاهان گورکانی از صوفیان و مزارات آنها

علت مهم دیگر برای گسترش آیین عرس، حمایت پادشاهان گورکانی از صوفیان و مزارات آنهاست. در دوران استقرار گورکانیان (۱۲۷۴-۱۹۳۲ق) در هند، علاوه بر اینکه شهر لاهور از حیث فرهنگ و تمدن اسلامی جایگاه خاصی داشت (فوق: ۱۰-۵۰)، پادشاهان گورکانی از صوفیان این دوره حمایت می‌کردند؛ برای مثال، در دوره اکبر گورکانی (۱۰۱۴-۱۵۶۳ق)^۳، صحن و درهای مزار هجوبیری توسط وی بازسازی و توسعه یافت. جهانگیر گورکانی (۱۰۳۷-۱۰۱۴ق) با وجود اینکه به صوفیان و درویشان معتقد نبود، ولی به میان میر اعتقاد داشت. وی بر سر قبر شاه حسین آمد و دعا کرد که اگر در مسائل سیاسی بر برادران خود پیروز شود، مزار این‌جا را تعمیر خواهد کرد. وی به حکومت رسید. در نتیجه، این مزار، از طرف وی ساخته شد (قادری: ۱۰۰).

همچنین، شاه جهان گورکانی (۱۰۶۷-۱۰۳۷ق)، دو مرتبه به منزل میان میر رفت و با وی ملاقات کرد. علاوه بر این، در ساخت و ساز و بازسازی مزارات مشهور لاهور دست

۱. بر اساس تحقیقات میدانی، امروزه در فرهنگ شبه‌قاره، به اغلب صوفیان اولیای الهی گفته می‌شود و حتی به صوفیانی که از سادات نباشند، ولی خدا می‌گویند و مقصود از زیارت قبور صوفیان، ایستادن و دعا خواندن بر سر مزار و نیز نماز گزاردن در کنار مقابر است؛ چون زیارت‌نامه خاصی در مزارات وجود ندارد.

۲. برای جلوه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی دوران گورکانیان هند، مراجعه شود به: کنهیا لال، تاریخ لاهور، ص ۱۸۰-۲۱۷؛ مولوی محمد عبدالله قریشی، نقوش لاهور نمبر، ص ۱۸۹-۲۵۶.

۳. از مهم‌ترین اتفاقات دوران اکبر که باعث دگرگونی ریشه‌ای در ساختار زندگی مردم سرزمین هندوستان شد، ابداع و اختراع آیین جدید به نام «دین الهی» است. اکبر شاه در سال ۹۹۶ق، به آن دست زد. این اقدام جسورانه و مبتکرانه که هدف اصلی آن، نزدیک‌تر کردن دل‌های مردم سرزمین هند به یکدیگر و برانداختن ریشه دشمنی‌ها و اختلافات فرق مختلف کشور پهناور گورکانی بود، با استفاده از مسائل مشترک و مورد قبول ادیان و مذاهب مختلف بر اساس «صلح کل» به راهنمایی بعضی از وزیران و دانشمندان دربار میسر گردید. ابداع چنین دینی، موافقان و مخالفانی را در پی داشت و مدت‌ها نقل محافل بود. برای مطالعه بیشتر، رک: ابوالفضل مبارک، اکبرنامه؛ تاریخ گورکانیان هند، ص ۱۱۷-۱۲۷.

داشت. مزار میان میر را داراشکوه ۱ در عهد شاه جهان گورکانی تعمیر کرد. بعضی از تعمیرات این مزار، در عهد اورنگزیب گورکانی (۱۱۱۹-۱۰۶۹ق) صورت گرفت. در زمان داراشکوه (۱۰۶۹ق)، فرهنگ زیارت و گردشگری مذهبی در شهر لاهور بیشتر و پررنگ تر بود. خود وی هم برای زیارت به مزار هجویری می‌رفت و همچنین، خلقی انبوه هر شب جمعه برای زیارت هجویری به مزارش حضور می‌یافتند (داراشکوه: ۱۶۵). در نتیجه، می‌توان گفت همین حمایت گورکانیان، سبب گسترش آیین‌ها و مراسم مربوط به مزارات شد.

۵. پیامدهای آیین عرس مزارات مشهور لاهور

در ذیل، به بیان مهم‌ترین پیامدهای آیین عرس خواهیم پرداخت.

۵-۱. شکل‌گیری گردشگری مذهبی

از جمله مهم‌ترین پیامدهای آیین عرس مزارات لاهور، شکل‌گیری گردشگری مذهبی و زیارتی است. این نوع گردشگری، یکی از پایدارترین انواع گردشگری است. در این راستا، آیین عرس علاوه بر فرهنگ، بر عمران و آبادانی منطقه نیز تأثیرگذار بوده است و در کنار فضای معنوی، فضای تفریحی نیز برای مردم ایجاد کرده است. این جاذبه‌های فرهنگی - مذهبی در کنار اجرای مراسم آیین عرس، تعداد بسیاری از گردشگران مذهبی و فرهنگی را به خود جذب نموده است. در نتیجه، می‌توان گفت که وجود مزارات و برگزاری آیین عرس، از نظر فرهنگی و اجتماعی تأثیر فراوانی در بین مردم داشته و نقش مهمی در اشاعه توریسم مذهبی و گردشگری و توسعه شهرها و روستاهای اطراف مزارات دارد.^۲

۱. محمد دارا شکوه، پسر و ولی عهد شاه جهان گورکانی است. وی از بزرگان سلسله قادریه هند و صاحب کتاب‌های پُرازشی در تصوف و عرفان است. وی، به تحریک برادرش اورنگ زیب و به فتوی عالمان شرع که حکم به زندقه و الحادش داده بودند، در سال ۱۰۶۹ق کشته شد. تصنیفات دارا شکوه عبارت‌اند از: سفینه الاولیاء (احوال مشایخ و علما)؛ سکینه الاولیاء (شرح احوال ملا شاه بدخشی)؛ حق‌نما: رساله در تصوف؛ سرآکبر: ترجمه از سانسکریت؛ اوپه نشدو بهگوت گیتا: ترجمه از سانسکریت. برای مطالعه بیشتر، رک: ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۱، ص ۱۹۲.

۲. طبق سرشماری در سال ۱۸۸۱م، جمعیت شهر لاهور مشتمل بر ۱۴۹۳۹۶ نفرات بود که نسبت به سرشماری قبلی (۱۸۶۸م)، در منطقه‌های مضافاتی شهر لاهور ۵۱.۷ درصد اضافه گردید. (میکلیگن و دیگران، لاهور گزتیر، ص ۲۲۱) امروزه شهر لاهور از لحاظ جمعیت، بعد از کراچی دومین شهر بزرگ پاکستان به حساب می‌آید. نقل شده است که طبق سرشماری در سال ۱۹۹۸م، جمعیت شهر لاهور مشتمل بر ۶۳۱۸۷۴۵ نفر است

مشاهدات میدانی، گویای این است که هر ساله هنگام عرس، گردشگری مذهبی در شهر لاهور و افزایش تعداد بسیار زائران، منجر به ساخت و ساز تعدادی از هتل‌ها و رستوران‌ها می‌شود. برای برآورده ساختن نیازهای اولیه شرکت‌کنندگان آیین عرس مزارات لاهور، صاحبان رستوران‌ها انواع مختلف غذاهای منطقه‌ای و حتی بین‌المللی را آماده می‌کنند. همچنین، این موضوع به افزایش چشمگیر در حمل و نقل سریع و فزاینده ارتباطات، رشد سریع طبقه متوسط جدید با اقتصاد غنی، اوقات فراغت بیشتر و جنبش‌های گردشگری کسب‌وکار منجر شده است. این دگرگونی‌ها به ایجاد چشم‌اندازهای زیارتی جدید، گسترش معنویت و آیین‌ها و مراسم فرهنگی انجامیده است تا از طریق فرایند ظهور، ایجاد و خلق مجدد، رضایت و جذب شرکت‌کنندگان آیین عرس مزارات لاهور فراهم شود. به نظر می‌رسد که امروزه آیین عرس مزارات لاهور، از جمله نقاط قوت شهر لاهور به شمار می‌آید که تعداد قابل توجهی از زائران و توریست‌های داخلی و خارجی را به سوی خود معطوف ساخته است. با توجه به خلق آثار هنری همچون: نقاشی، مینیاتوری و خطاطی که معمولاً برای تزیین مزارات هنگام عرس و شکل دادن به ویتترین‌ها و قاب‌های موجود، از آن استفاده می‌کنند، ضمن معرفی استعدادها و شاهکارهای هنرمندان بومی و محلی، همراهی این آثار با فرهنگ و تمدن اسلامی از نکات جالب توجه می‌باشد.

۲-۵. شکل‌گیری مراکز فرهنگی

هر ساله هنگام آیین عرس، مراکز فرهنگی اطراف مزارات لاهور شکل می‌گیرند. در این گونه مراکز، معمولاً بازارهای سنتی و مدرنی وجود دارد که هر مسافری را ترغیب به خرید می‌کند. برای زایر خرید جاذبه خاص خود را دارد؛ چراکه سفر به شهر فرهنگی و مذهبی لاهور و خرید سوغات برای اقوام و دوستان با هم عجین شده است و به صورت یک فرهنگ درآمدی است. این مراکز، هر ساله بازدیدکنندگان و خریداران فراوانی دارند. این فعالیت‌ها موجب ایجاد درآمد و ایجاد فرصت شغلی برای شهروندان لاهور شده است (عکس شماره ۷ و ۸).

در ضمن، در این مراکز فرهنگی، اهل صنعت، ارباب طرب و موسیقی مانند: دیبا با فان، نی‌نوازان، رقاصان، نقاشان، خوشنویسان، بافندگان، کفاشان، عنبر فروش‌ها،

نگینه‌فروش‌ها، صنعتگران، دامپرووران و بازرگانان نیز حضور دارند (عکس شماره ۹ و ۱۰). علاوه بر این، اغذیه‌فروشی‌ها، دست‌فروش‌هایی که به فروش پوشاک و مواد خوراکی مشغول‌اند و نیز مغازه‌های متعدد فروش انواع و اقسام مواد خوراکی، لواشک و ترشیجات، هنگام آیین عرس مشاهده می‌شود.

همچنین، انواع مختلفی از هنرهای گرافیکی در این مراکز فرهنگی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به محصولات سفالی نقاشی‌شده با دست، محصولات پارچه‌ای طراحی و نقاشی‌شده با دست و هنر چاپ موسوم به آجرک اشاره نمود.^۱ افزون بر این، کوزه‌های لعاب‌دار نقاشی‌شده با دست و انجام کارهای هنری بر روی سفال، هنگام آیین عرس نیز وجود دارد (عکس شماره ۱۱، ۱۲ و ۱۳).

در اطراف مزارات مشهور لاهور، چند نوع مراکز فرهنگی مانند گالری ملی هنر و مرکز رقص و موسیقی ملی وجود دارند. در این مراکز، نمایشگاه‌ها، سمینارها و نمایش‌های تئاتر نیز برگزار می‌شود. شرکت توسعه فیلم پاکستان برای تولید فیلم و آگاه‌سازی مردم از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، در اطراف مزارات مشهور لاهور، به طور مرتب، جشنواره‌های نمایش فیلم برگزار می‌کند.

صنایع دستی شهر لاهور با توجه به پیش‌زمینه قومی و کاستی تولیدکنندگان این کالاها، بسیار متنوع بوده و شامل انواع مختلفی از وسایل دست‌ساز می‌باشد که شاخصه آنها، وسایل گل‌دوزی‌شده با دست و فرش‌های دستباف است و در سطح بین‌المللی با نام پاکستان شناخته می‌شود. صنایع دستی همچون ساخت قاشق و بشقاب‌های چوبی و جاجیم‌بافی، در این مراکز فرهنگی فراوان است. در نتیجه، می‌توان گفت که شکل‌گیری مراکز فرهنگی هنگام آیین عرس و استادان این فن، به رونق این صنعت کمک شایانی کرده و خواهند کرد. تعداد و انواع واحدهای فرهنگی و اقتصادی مستقر هنگام آیین عرس مزارات مشهور لاهور، بر اساس تحقیقات میدانی، در مارس ماه سال ۲۰۱۷م، مورد بررسی قرار گرفت و به شرح جدول ذیل می‌باشد.

۱. آجرک (Ajrq)، نام یک چادر است. این چادر، گل‌دوزی شده است و برای این منطقه، سوغات معروف به حساب می‌آید. مردم این منطقه، برای مهمان ویژه خود، این چادر را برای تکریم به وی می‌پوشانند.

غرفه‌های مستقر	مزار هجویری	مزار میان میر	مزار شاه حسین
صنعت	۱۵	۹	۷
صنایع دستی	۲۰	۶	۶
هنرهای گرافیکی	۱۵	۱۰	۵
گالری هنری	۲۰	۸	۷
موسیقی	۲۰	۱۲	۷
کتب و ادعیه	۵۰	۵	۵
خشکبار و غذاهای محلی	۵۰	۴۰	۴۵
سایر	۴۰	۳۰	۲۵

واحدهای فرهنگی و تعداد و انواع اقتصادی مستقر در مزارات مشهور لاهور هنگام آیین عرس

۳-۵. شکل‌گیری فرهنگ پیر و مرید

مسئله تقدس و احترام به صوفیان و همچنین مزارات آنان، از زمان حیاتشان در بین مردم رایج بوده و در اعتقادات دینی و مذهبی و باورهای مردم آن دیار ریشه دارد. ۱۰. بنابراین، از قدیم، همه افراد و طبقات اجتماعی در شهر لاهور و حتی خارج از این شهر، با هر شغل و رویکرد و اعتقادات حزبی، از شرکت‌کنندگان آیین عرس بودند. زنان، مردان، کودکان، از هر شغل و حرفه و با هر سلیقه و گرایش و با انگیزه‌های گوناگون و حداقلی از مشترکات که اعتقاد به اصول دینی بود، در مراسم عرس حضور می‌یافتند. در این اجتماعات، پیش شرط‌هایی چون: سن، جنس، مذهب، گرایش و طبقه اجتماعی وجود نداشت و همگی تحت تأثیر مفاهیم و آگاهی‌هایی که در این آیین عرس اطلاع‌رسانی می‌شد، قرار می‌گرفتند (اکرام، ۲۰۰۶: ۸۰). سرانجام، این‌گونه اجتماعات در هنگام عرس،

۱. بر اساس تحقیقات میدانی در فرهنگ شبه‌قاره هند، مردم صوفیان را مانند اولیای الهی می‌دانند و بر این باور، یک عقیده مذهبی ساخته شده است.

به شکل‌گیری فرهنگ پیر و مرید انجامید.

بر اساس تحقیقات میدانی در مارس ماه سال ۲۰۱۷م، مهم‌ترین عناصر فرهنگ پیر و مرید در آیین عرس مزارات مشهور لاهور را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱-۳-۵. پیرصاحبان

از قدیم، تصور می‌شد پیرصاحبان، قدرت شفادهنده دارند (جواد، ۲۰۱۲: ۸۳-۱۰۰). مردم بر این باور بودند که نه تنها غبار مزارات مشهور لاهور و شخصیت‌های مقدس، بلکه افراد بسیار مورد احترام در قید حیات نیز نیروی شفادهنده دارند. این‌گونه پیرصاحبان چنان مورد احترام بودند که گاهی غبار جای پاهایشان جمع‌آوری شده و به بیماران به منزله دارو تجویز می‌شد. همچنین، نفس شخصیت‌های مقدس نیز ارزشمند و دارای نیروی شفابخش تلقی می‌شد. امروزه هم هنگام عرس، مردم آب، خاک، نمک، نان و حتی خاکستر مزارات مشهور لاهور را همراه خودشان به عنوان شفا می‌برند. بیشتر پیرصاحبان، این نوع اشیا را به عنوان شفا برای بیماران تجویز می‌کنند (میکلیگن، ۲۰۰۶: ۲۴۰-۲۵۵). لازم به یادآوری است که در اینجا تأیید یا عدم تأیید دعانویسی، تعویذنویسی، تبرک جستن و مانند این امور، از ابعاد فقهی و کلامی مورد نظر نیست؛ بلکه مقصود ما اینجا از بروز این گونه امور، به عنوان نمادهای فرهنگی نسبت به مزارات مشهور لاهور است.

مشاهدات میدانی، نشان می‌دهد که پیرصاحبان از روش‌های مختلف استفاده می‌کنند؛ مانند «چُوف یا دم کردن» به معنای «فوت کردن با صدای چُوف» همراه با پاشیدن آب دهان به روی صورت بیمار است. دم کردن، جهت رفع بیماری‌های روحی و روانی، یکی از شایع‌ترین اعمالی است که پیرصاحبان با استفاده از روش‌های مختلف در آن فعالیت دارند. گاهی هنگام دمیدن نفس بر صورت شخص بیمار یا خوراکی بچه‌ها، دعایی را خوانده، سپس آن دعا را به صورت شخص فوت می‌کند و گاهی نیز با دمیدن نفس در آب، ضمن خواندن دعا بر روی آن، مقداری از آب آشامیدنی را به بیماران می‌دهند و بیماران به مدت چندروز از آن آب به نیت شفا می‌خورند.

۲-۳-۵. تعویذنویسان

در جامعه هند، تعویذنویسی، پدیده‌ای بسیار بومی و فرهنگی است و از گذشته‌های دور تاکنون به مثابه یک شیوه چاره‌جویی از مشکلات و بیماری‌ها، مورد استقبال مردم بوده

است (رزاقی، ۱۹۶۶: ۵-۳۵). امروزه هم در مزارات لاهور، هنگام آیین عرس، تعویذنویسان به صورت فراوان قابل مشاهده هستند. تعویذنویسی، برای فرد تعویذنویس شغل محسوب می‌شود و تعویذنویسان، به قصد انتفاع، از انواع ذکرهای مذهبی برای تدوین متن روی اجسام استفاده می‌کنند (عکس شماره ۱۴ و ۱۵).

۳-۳-۵. فال‌گیران

داده‌ها و مشاهداتی که نشان دهد در گذشته چه میزان مردم به فال‌گیری اقبال نشان داده‌اند و هم‌اکنون چه تعداد مردم فال می‌گیرند یا چه میزان بر فعالیت‌های فالگیری افزوده شده، وجود ندارد؛ اما می‌توان این واقعیت را پذیرفت که فال‌گیری همیشه در فرهنگ پنجاب وجود داشته است (پرویز، ۱۹۹۲: ۲۵-۳۵).

در ایام آیین عرس، مزارات مشهور لاهور، مهم‌ترین اماکن فال‌گیری به حساب می‌آمد. پیرصاحبان، داخل یا اطراف مزارات می‌نشینند و فال‌گیری را هم انجام می‌دهند؛ ولی امروزه تبلیغات و اماکن فال‌گیری مدرن شده و شکل مطب پزشکان به خود گرفته است. گرفتن وقت قبلی، هماهنگی با فال‌گیر، اتاق انتظار و وجود منشی در مراکز فال‌گیری، از نشانه‌های مدرن شدن فال‌گیری است (عکس شماره ۱۶ و ۱۷).

مشاهدات میدانی، گویای این است که هنگام عرس، رغبت و تمایل به فال‌گیری، حتی در زنان تحصیل‌کرده نیز دیده می‌شود و مراجعه به فال‌گیر، به بخشی از زندگی روزمره زنان متأهل و دختران جوان تبدیل شده است. همین مسئله، گویای ماهیت پیچیده و سیال فال‌گیری به مثابه یک واقعیت فرهنگی-اجتماعی است. مشاهدات، گویای آن است که برخی از زنان برای دستیابی به خواست‌ها و رفع موانع پیش رو در زندگی، از فال‌گیر می‌خواهند برای آنان دعا بنویسد؛ دعایی که مهر و محبت ایجاد کند و از این طریق، توجه همسر را جلب نمایند یا اینکه بتوانند با فرد مورد علاقه خویش ازدواج کنند.

بر مبنای مشاهدات موجود، فال‌گیری ماهیت جنسیتی به خود گرفته است و زنان، مهم‌ترین مشتریان فال به شمار می‌آیند. در این دسته از مطالعات در تبیین فال‌گیری و گرایش به رفتارهای خرافی، با اتخاذ نگاه بیرونی، اموری همچون: بخت‌گشایی، حل اختلافات زناشویی، شفاگرفتن، پیدا شدن اشیای گمشده، رفع نازایی، پسرزایی، تعبیر خواب و کنجکاوای نسبت به آینده، مهم‌ترین عوامل به حساب می‌آیند.

نتیجه

مسئله تقدس و احترام به صوفیان لاهور و همچنین مزارات آنان، از زمان حیاتشان در بین مردم رایج بوده است. از این رو، از قدیم، همه افراد و طبقات اجتماعی در شهر لاهور و حتی خارج از این شهر، با هر شغل و رویکرد و اعتقادات حزبی، از شرکت‌کنندگان آیین عرس مزارات مشهور لاهور بودند. آیین عرس، در زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم نمود و ظهور بسیاری داشته است. همچنین، رونق برخی مشاغل در جامعه، وابسته به همین آیین بوده است. مناسبت‌های فرهنگی افراد جامعه، لزوم رویکرد جدی به آیین عرس را به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ‌ساز ایجاب می‌نماید. فرصت‌های مغتنمی در آیین عرس مزارات مشهور لاهور نهفته است؛ اما آن‌گونه که باید از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آنها بهره‌برداری نمی‌شود و همین موضوع، بیانگر آن است که باید تحقیقاتی فراگیر پیرامون کارکردهای فرهنگی و محورهای تأثیرگذاری این آیین انجام گیرد. این نگرش، صرف نظر از زندگی‌نامه، تعلیمات و کرامات و همچنین گونه‌شناسی افکار و اندیشه صوفیان، می‌تواند جایگاه اجتماعی و فرهنگی این گونه آیین‌ها را در فضای شهری ترسیم نماید. علاوه بر این، نتایج حاصله از این تحقیقات می‌تواند هم سبب معرفت‌زایی در خصوص نقش فرهنگی آیین عرس گردد و هم اینکه مدیران و متولیان امور فرهنگی و اجتماعی جامعه را در فراهم‌سازی بستر اصلاح و ارتقای سطح فرهنگ رایج در بین عموم مردم یاری رساند.

منابع

الف. فارسی و عربی

- احمد، ظهوالدین (۱۳۸۵ش)، تاریخ ادب فارسی در پاکستان، ترجمه: شاهد چودھری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- احمد، عزیز (۱۳۶۶ش)، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه: نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران: کیهان با همکاری علمی و فرهنگی.
- ادریسی، شریف (۱۹۵۴م)، وصف الهند و ما یجاورها من البلاد، تصحیح: مقبول احمد، علیگره هند: جامعه اسلامیہ.
- استرآبادی، محمد قاسم هندوشاه (۱۳۸۷ش)، تاریخ فرشته از آغاز تا بابر، مصحح: محمدرضا نصیری، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۹۲۷م)، مسالك الممالك، چاپ اول، بیروت: دار صادر.
- ایرام، لاییدوس (۱۳۸۷ش)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه: علی بختیاری زاده، تهران: اطلاعات.
- بیرونی، ابو ریحان محمد بن احمد (۱۴۰۳ق)، تحقیق ما للهند، مصحح: احمد آرام، چاپ دوم، بیروت: عالم الکتب.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۴ش)، تاریخ بیهقی، مصحح: خلیل خطیب رهبر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مهتاب.
- تاراچند (۱۳۷۴ش)، تأثیر اسلام در فرهنگ هند، ترجمه: علی پیرنیا و عزالدین عثمانی، تهران: پازنگ.
- الحموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، الطبعة الثانية، بیروت: دار صادر.
- دارا شکوه، محمد (بی تا)، سفینه الأولیاء، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و محمدجعفر شهیدی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رحمانی، جبار (۱۳۹۴ش)، شکوفایی تمدن اسلامی در هند، چاپ اول، تهران:

۱۵۰ مطالعات تاریخی جہان اسلام

سال ہفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

پژوہشگاہ فرهنگ، ہنر و ارتباطات۔
السمعی، أبوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور (۱۳۸۲ق)، الأنساب، تحقیق:
عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، الطبعة الأولى، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف
العثمانیة۔
صفا، ذبیح اللہ (۱۳۷۸ش)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ ہشتم، تہران: انتشارات
فردوس۔
قاسمی، جعفر (۱۳۵۰ش)، تأثیر معنوی ایران در پاکستان، بی جا: ادارہ اوقاف پنجاب
لاہور۔
قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸م)، آثار البلاد و اخبار العباد، چاپ اول، بیروت: دار
صادر۔
مؤلف ناشناختہ، حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۲۳ق)، مصحح: یوسف
الہادی، چاپ اول، قاہرہ: دار الثقافیة للنشر۔
مبارک، ابوالفضل (۱۳۸۵ش)، اکبرنامہ تاریخ گورکانیان ہند، مصحح: غلامرضا
طباطبایی مجد، چاپ اول، تہران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی۔
ویل دورانت (۱۳۸۵ش)، تاریخ تمدن: مشرق زمین، گاہوارہ تمدن، ترجمہ: احمد آرام و
دیگران، چاپ دوازدهم، تہران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی۔

ب. اردو

۱. اکرام، محمد (۲۰۰۶ م)، آب کوثر، لاہور: ادارہ ثقافت اسلامیہ۔
۲. ای، دی، میکلیگن و ایچ، ای، روز (۲۰۰۶م)، پنجاب، ترجمہ: یاسر جواد، لاہور:
بک ہوم لاہور۔
۳. بتالوی، سبجان رائ (۱۹۱۸م)، منتخب التواریخ، دہلی: جی ایند سنز۔
۴. پرویز، اسلم (۱۹۹۲ م)، پنجاب ادب اور ثقافت، لاہور: بک پرنٹرز لاہور۔
۵. چشتی، نور احمد (۲۰۰۶م)، تحقیقات چشتی، لاہور: الفیصل ناشران۔
۶. دہلوی، سید احمد (بی تا)، فرهنگ آصفیہ، لاہور: سنگ میل پبلی کیشنز۔
۷. رزاقی، شاہد حسین (۱۹۶۶م)، پاکستانی مسلمانوں کی رسوم و رواج، لاہور: ادارہ
ثقافت اسلامیہ۔

۸. سید، محمد لطیف (۲۰۰۴م)، تاریخ لاهور، ترجمہ: افتخار محبوب، لاهور: تخلیقات لاهور.
۹. فوق، محمد دین (بی تا)، لاهور عہد مغلیہ مین، لاهور: انتشارات مشتاق.
۱۰. قادری، محمد دین کلیم (بی تا)، مدینہ الاولیاء، لاهور: اسلامک بک فاؤنڈیشن.
۱۱. قریشی، مولوی عبداللہ (۱۹۶۲م)، نقوش لاهور نمبر، لاهور: ادارہ فروغ اردو.
۱۲. کننگہم و دیگران (۲۰۰۸م)، لاهور گزیتیر (۱۸۸۳-۱۸۸۴)، ترجمہ: نعیم اللہ ملک، لاهور: ابوذر پبلی کیشنز.
۱۳. لال ہندی، کنہیا (۱۸۸۴م)، تاریخ لاهور، چاپ اول، لاهور: وکتوریا پریس لاهور.
۱۴. محمد، باقر (۱۹۸۹م)، احوال داتا گنج بخش ہجویری، چاپ اول، لاهور: انتشارات ادارہ تحقیقات پاکستان.
۱۵. معین الحق (بی تا)، معاشرتی و علمی تاریخ، لاهور: انتشارات الفیصل.
۱۶. ملک، محمد لطیف (بی تا)، اولیای لاهور، لاهور: سنگ میل پبلی کیشنز.
۱۷. مولوی، فیروز الدین (بی تا)، فیروز اللغات، کراچی: فیروز سنز لیمیتڈ.
۱۸. نامی، غلام دستگیر (۱۹۸۱م)، بزرگان لاهور، چاپ دوم، لاهور: معصوم اکادمی.
۱۹. نظامی، خواجہ عابد (بی تا)، لاهور مین اسلام کی سفیر، لاهور: انتشارات الفیصل.
۲۰. یاسر، جواد (۲۰۱۲م)، پاکستان کا ثقافتی انسائیکلوپیدیا (پنجاب)، لاهور: انتشارات الفیصل.

ج. انگلیسی

1. Nizami Khaliq, Ahmad, Impact of Sufi saints on Indian society and culture, in Islamic culture, Ajan 1984.
2. <https://ur.wikipedia.org/wiki>

۱۵۲ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

پیوست‌های تصویری (عکس شماره ۱ - ۱۷):



۲. تزئین مزار هجویری هنگام آیین



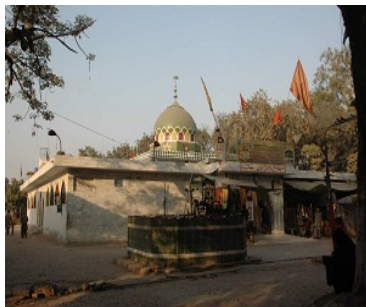
۱. نمای شهر لاهور



۳. چله‌گاه خواجه معین‌الدین چشتی در مزار

هجویری

هجویری



۶. نمای کلی مزار شاه حسین و مادهو لال



۵. نمای بیرونی مزار میان میر

تحلیل تاریخی آیین عرس مزارات مشهور در شهر لاهور ۱۵۳



۷- مغازه‌های متعدد فروش انواع و اقسام مواد خوراکی در کنار مزارات



۸. فضای تحت اشغال دستفروشان و مشاغل سیار در کنار مزارات هنگام آیین عرس



۹. مراسم رقص هنگام آیین عرس مزارات



۱۰. مراسم اشعار تغزلی صوفیانه همراه با «قوالی» هنگام

۱۵۴ مطالعات تاریخی جهان اسلام
سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸



۱۱. پارچه‌هایی طراحی و نقاشی شده با دست در کنار مزارات



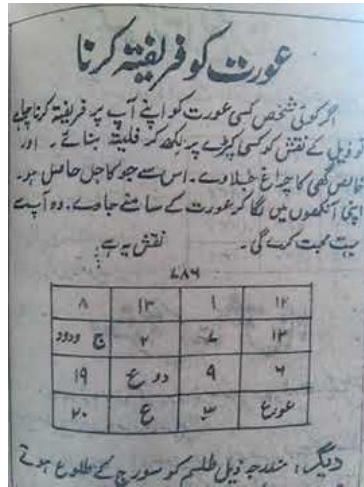
۱۲. ظرف‌های لعاب‌دار نقاشی شده با دست در کنار مزارات



۱۳. انجام کارهای هنری بر روی سفال هنگام آیین عرس



۱۴. تعویذ مشتمل بر اشکال مختلف



۱۵. تعویذ برای جلب محبت زنها

۱۵۶ مطالعات تاریخی جہان اسلام سال ہفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

نواں لاہور
پاکستان

احمد شاہ بخاری

ہر کام مکمل رازداری اور 100% گارنٹی سے کروائیں

محبوب کا ترپا اور کسی نسل کو تاراج کرنے والوں سے مشکلات ہوتی ہیں
ذریعے ہر قسم ہاتھ بندھنا اور نیک نیتوں کے پالنے کے لئے آپ کے پاس

پتھری شادی گریلو تاج پائی محبت میں ناگہانی

تور پاری ہتھیار گریلو ہتھیار

istikhara free

0092 300 4354896

۱۶. تبلیغات تعویذات و فال گیری در لاہور

تعویذ ایسا کہ کامیابی قدموں میں یقیناً

ہر طرف سے مایوسی و ناکام
افراد ایکبار ضرور آزمائیں

چاہنے والا افکاری گریلو پریشانی رشتوں کا مسئلہ
سرال سے تنگ دوستی محبت محبوب ہو دیوانہ
کالے ظلم سے تنگ مہاں بیوی کے مسائل امتحان میں کامیابی
جادو ڈونڈ شوہر کی بے لڑگی اولاد کا نہ ہونا

+92 333 9213013

زوجہاں اسکاتز
پاکستان

نعیم شاہ بخاری

۱۷. تبلیغات معالجہ بہ وسیلہ تعویذھا